

نویسنده: شنکوین (Shane Quinn).

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2018-11-16».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

جنگ پلانیزی شده ندرتاً آشکار میشود:

جنگ افغان شوروی

war very rarely unfold as planned: the soviet
Afghan war

درس های گذشته بارها بارها آموخته نشده است

past lessons have repeatedly not been learned



مداخله دولت شوروی سابق در افغانستان در بحبوحه کرسمس سال (1979) بعنوان یک درگیری سریع وبدون هزینه پیش بینی شده ضروری صورت گرفت . که در روز بعد از حرکت نظامی های شوروی بسوی افغانستان ریس جمهور سابق اتحاد جماهیر شوروی **لیونید بریژنف** آقای **اناتولی دوبرینین** (Anatoly Dobrynin) دیپلمات شناخته شده اش رامتقاعد میسازد که ما در این سه ویا چهار هفته ای پیشرو این جنگ را پایان خواهیم داد ، حالانکه با سپری شدن یک دهه یعنی در واقع بعد از شش سال تجا وز بالای افغانستان **لیونید بریژنف** در ماه نومبر سال (1982) در میگذرد ولی این جنگ تا هنوز که هنوز است ادامه دارد .

این جنگ طولانی وناپایان افغانستان موجب فروپاشی بزرگترین وپهناترین دولتی میشود که در سال های (1964-1982) در تحت زعامت واداره لیونید بریژنف قرار داشت که با درگیری وادامه این جنگ اوضاع کشور به تند ریج بد وبدتر میشود

و اتحاد جما هیر شوروی بدون آنکه در آن گلوله ای فیر شود منقرض میگردد یعنی که در آن به این اندازه سطح شکنندگی وجود داشت که سقوط کرد .
پیش بینی بریژنف از اینکه جنگ شوروی افغان بیش از یک ماه طول نخواهد کشید برآورد و قضاوت بیمارانه ای دیگری از یک رهبر جهانی بود که میتوان بروی آن مکث کرد . جنگی که در آن صدها هزار نفر در زمان بعد از تجاوز نظامی اتحاد شوروی بر افغانستان تلف و نابود شدند تا جایکه غرب و کشورهای دیکتاتور صاحبان نفت با هم مشترکاً به مخالفت علیه آن پرداختند و به نسبت این جنگ و درگیری بود که ملیون ها افغانان غیر نظامی از کشورشان فرار کردند .

بهر صورت در برخی از موارد جایگاه و موقف شوراهای کاهش می یابد ، افغانستان ملتی است که در مرزهای شمالی خود با جمهوری های سابق شوروی اعم از ترکمنستان ، ازبکستان و تاجیکستان در آسیای مرکزی هم مرز میباشند . **بریژنف** و پیروانش نگران روبه افزایش نفوذ امریکا در یکی از مهمترین بخشهای آسیا یعنی (آسیای مرکزی) بودند جای که سرشار از منابع طبیعی اعم از گاز ، نفت ، اورانیوم و سنگ آهن میباشد .

رهبران شوروی بخاطر حمایت از کمونیستها که در اواخر سال (1978) بدنبال اجرای یک کودتای نظامی به قدرت رسیده بودند ، نیروهای نظامی زمینی خود را به افغانستان فرستاد ، این کمک فاجعه بار **لیونید ایلیچ بریژنف** بود حالانکه این در واقع کمکی به افغانستان نبود که بتواند کمونیزم را حفظ و یا حمایت کند و میتوان گفت که کمونیزم در آنجا ابداً وجود نخواهد داشت چونکه جامعه افغانی عمیقاً متنوع و پیچیده و مشتمل از (14) گروه های قومی در یک جامعه قبلیه ای است که با هم بافت خورده اند .

بگونه اجتناب ناپذیر و یا ناگزیراً مداخله شوروی در افغانستان به یک جنگ فرسایشی طولانی مدت تبدیل شد که قسماً ناشی از نفوذ خارجی های دیگر در تحت رهبری ایالات متحده در دهه های سال (1980) نیز بود .

ارتش شوروی با ملی گرایان و تروریست ها درگیر در جنگ شد یعنی با آنها یک نه تنها توسط ایالات متحده امریکا و بریتانیا حمایت و پشتیبانی می شدند بلکه آلمان غرب ، پاکستان و حتی چین نیز آنها را پشتیبانی میکردند ، این افراط گرایان بنام مجاهدین شناخته شده بودند که اسامه بن لادن متولد سعودی نیز عضو فعال مجاهدین بود و ایالات متحده امریکا و عربستان سعودی میلیون ها دلار برای این مجاهدین کمک کرد که از طرف آنها با خرسندی و با کمال میل نیز پذیرفته شد .

زیگینو برژینسکی ، مشاور امنیت ملی ایالات متحده امریکا و یکی از مشهورترین خصم و شدیدا ضد شوروی ، مشتاقانه بخاطر بدام انداختن اتحاد شوروی در یک تله

ارزوی انتقام جنگ « ویتنام » را از شوروی داشت که باید برآورده شود. که با کمک رییس جمهور **جیمی کارتر**، **بریتینسکی** در واقع بعنوان یک نیروی هدایت کننده در تفویض واریه و تمویل کمک های ایالات متحده به مخالفین دولت در تحت حمایت مسکو بود و در عین وقت قصد داشت ویا در انتظار واکنش از سوی مسکو نیز بود.

تلاش های بریتینسکی نیز شاید دستاوردی در قبال نمیداشت که اگر **بریتینف** بیما رنمی بود و این دانش و فراست را میداشت که در افغانستان مداخله نمیکرد چونکه این یک ملت فوق العاده پیچیده و مغلق است ولی رویهمرفته شوروی ها بطور غیر منطقی از اتکا و اعتمادی دولتی به رهبری غرب در مرزهای خود ترسیدند یا به عباره دیگر شوروی ها به این هراس افتادند که مبادا رژیم در همسایگی شان در اتکا به دوستی با غرب ایجاد شود، حالانکه باید اشکاراً گفت که یک دولت مشروع افغان هرگز خوشبینی خود را به امریکا و روسیه نشان نخواهد داد چونکه جمعیت آنها یعنی در مجموع افغان ها با در نظر داشت بنیاد های فرهنگی خود هرگز تمایل ندارند که از روسیه ویا از امریکا حمایت کنند.

ایالات متحده امریکا در طول قرن بیست و یکم خود را در یک درگیری بی نظیر درگیر کرده است که مطمئناً نمیتواند در این درگیری برنده شود چونکه افغانستان در حویلی عقبی اتحاد جماهیر شوروی وقت واقع شده است و امریکا در حدود (7000) مایل از قلمرو افغانستان دور افتاده است.

واشنگتن به دلیل اینکه افغانستان یک کشور از جهت منابع طبیعی دست نخورده ای خود یک کشور ثروتمند است و در یک منطقه ای وسیعی محوری قرار دارد و منابع طبیعی اش تا هنوز حفظ و دست نخورده باقی مانده است که بر حسب برآورد پنتاگون صد ها میلیارد دلار ارزش دارد میخواد که به این منابع دسترس پیدا کند.

بهر صورت دولت های یکی بعد از دیگری ایالات متحده امریکا نتوانستند درس های را که نسل های قبل از روسیه به نسبت مداخلات شان در افغانستان گرفته بودند یا که افغانستان به آنها درس داده بود مورد توجه قرار دهند - منازعات مانند این منازعه بر بنیاد جهل بزرگ و بدون مرام آشکار و روشن بخاطر نیل به هدف خود نابودی است.

نیروهای امریکایی جنایاتی جنگی را که در سرزمین ها و قلمرو افغانستان مرتکب شده اند هرگز توسط مردم محلی و بخصوص روستایی ها که حتی از شورشیان طالبان نیز حمایت میکنند پذیرفته نخواهد شد ویا همچو جنایات را فراموش خواهند کرد.

افغانستان : برنامه اشغال دایمی :

بعد از سال (1945) هم حمله های زمینی که امریکایی ها بالای کشورهای دیگر میکردند در مقایسه با حملات امروز بسیار متفاوت به نظر میرسد یعنی که اگر به

پس منظر آن توجه شود ، در طول جنگ دوهم جهانی ، واحد ها و یا جزوتام های نظامی امریکایی نیروهای جنگجو ومبارزان قوی علیه قوت های نیرومند وسر سخت امپراتوری جاپان والمانها های نازی بودند با وجودیکه **هیتلر** ادعا میکرد که سربازان امریکایی ضعیف ومنحط بوده وچنین می پنداشت که آنها به سوی اقیانوس اطلس عقب نشینی خواهند کرد .

در طول دهه های گذشته پیشرفت های چشمگیر وعمده در بخش تکنولوژی نظامی ایالات متحده بروی وروان فکری نیروهای امریکایی تاثیر بسزای گذاشته است . تا جاییکه یک سرباز معمولی بجای اینکه بیشتر به اسلحه وتفنگ سابقه وسنتی خود متکی باشد ، کنون یعنی بعد از سال (1945) معادله دستبرد نیروهای نظامی به سلاح بطور فزاینده طوری رقم خورده است که آنها کنون میتواند سلاح ها وتجهیزات فوق العاده مدرن ومغلق را که ساحه تخریب آن بمراتب بیشتر از سلاح های قدیم است مورد استفاده قرار دهند .

هدف سربازان قدیمی در حمله بر دشمن این بود که آنها در جنگ با طرف مقابل تلاش میکردند که مردم ملکی کشته نشوند . بلکه تنها دشمن را از پا آورند . این به اصطلاح پیشرفت تکنولوژی که موجب کاهش وتنزیل اخلاق شده است ، در واقعیت امر این یک روش کاملاً بزدلانه ای که میتوان تصور کرد این است که در جنگ از هواپیماهای بدون سرنشین استفاده میشود توسط آن اهداف نامطلوب وشاید هم هدف های عاری از دشمن را با فشار دادن یک دکمه دفعتاً نیست ونابود میکنند وکسانیکه در یک شعاع خاص از تاثیر ناگوار ضربه قرار داشته باشند آنها را نیز بکام مرگ فرومی برد ویا مجروح میسازد . از این رومردم محلی در یمن وپاکستان وجاهای دیگر ناشی از بمباران های این هواپیماهای بدون سرنشین در ترس وتلخ کامی زندگی میکنند .

در اوایل جنگ های کره و ویتنام تحولات ژرف نظامی امریکا قابل توجه بود بگونه مثال : با توجه به معرفی ونشان دادن تعداد جمع از هلیکوپترها که بویژه در طی حمله امریکا به ویتنام در عملیات های «ضد شورش» هزاران انسان مورد ضربات این هلیکوپترها قرار گرفتند ونابود شدند .

انکشاف وپیشرفت های تکنولوژیکی در هلیکوپترهای نوع **اراکوینس بل (Bell UH-1 iroquois)** نشان دهنده پرتب وتاب تکنولوژی امریکا بود که با ارقام وتبدلات سیاسی ونظامی امریکا ارتباط داشت وبا متصاعد شدن آواز به پرواز آمدن این هلیکوپترها سربازان دشمن از فاصله های چند مایل دورتر از ورود جنگجویان امریکایی باخبر میشدند وخود را ستر اخفا می نمودند ، بهر صورت با پایان یافتن جنگ در ویتنام بیش از (5000) بالگرد یا هواپیماهای وهلیکوپترهای امریکایی توسط نیروهای ویتنام

شمالی و جبهه ملی نجات (National Liberation Front "NLF") تخریب و نابود شده بود که برای ویتنامی ها موفقیت بزرگ تلقی میشود .

ویتنام واقع در جنوب شرقی آسیا دریکی دیگر از حوزه ها ویا جایگاه های وسیع سودآور و حیاتی قرار دارد، امریکایی ها از ترس اینکه مبادا کونیست ها کل ویتنام را تصرف و **دومینو** را ایجاد نکنند « Domino = دومینو نوعی بازی است که به وسیله قطعه های مستطیلی کوچکی انجام میشود یک دست دومینو معمولاً از « ۲۸ » عدد دومینوی مستطیلی تشکیل شده که هر کدام شامل دو مربع کنار هم هستند. روی هر مربع ۰، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ نقطه وجود به شکل ذیل ازویکی پیدیا توسط این قلم)



و ساحه نفوذ کمونیست ها به فلپین و مالیزیا گسترش نه یابد و با اینصورت امریکایی ها کنترل منطقه را از دست ندهد درتشویش و نگرانی بودند. بعد از آنکه امریکا نتوانست حاکم مستبد یعنی **نیگو دین دیم** (Ngo Dinh Diem) را در ویتنام جنوبی براریکه قدرت اش نگه دارد، ریس جمهور امریکا **لیندن جانسون** (Lyndon B, Johnson) در اواسط ماه فبروری سال (1965) برنامه ای راتصویب کرد که موجب تشدید اختلافات شود که این برنامه شامل افزایش حملات بمب گذاری توسط هواپیماها در ویتنام شمالی و توام با آن به استخدام و پیاپی ده کردن تعداد زیاد از سربازان امریکایی در ویتنام بود .

کینیدی و مکنما را (منبع : مالکیت عمومی):

این تصامیم نیز بخشی از کاری برای حفظ و اعاده اعتبار ایالات متحده بمثابه یک عامل مهم و افاکتور شناسایی شده بود. در ماه اپریل سال (1965) وزیر دفاع ایالات متحده امریکا رابرت مکنما ر (Robert McNamara) گفت: « جنگ در ویتنام ، بیش از شش ماه ویا شاید هم یکی و دو سال طول خواهد کشید . » چونکه او سختترین حامی بزرگ از عملیات ها توسط هلیکوپتر ها بود و آنهم بعنوان کمک به ارتش امریکا در انجام وظایف شان که نیروهای طرف مقابل شان را از پا در خواهد آورد ، حمله امریکا به ویتنام و بعداً به همسایه های ویتنام مثل کامبوج و لاوس (هندو چین) تبدیل به شدیدترین تجا و ز شد که از زمان حمله هیتلر به اتحاد جماهیر شوروی بوقوع نه پیوسته بود .

در اوایل دهه (1970) ناشی از تشدید حملات آمریکا میلیون ها نفر در این بخش از هند و چین کشته شدند و تعداد دیگری مجروح و بی جا و آواره شدند. ارتش آمریکا بین سالهای (1961) تا (1971) مقادیر زیادی از مواد کیمیاوی سمی را در سراسر منطقه ویا در ساحات جنگ علیه دشمنان و مخالفین خود مورد استفاده قرار دادند ویا در فضا رها کردند که این مواد سمی کیمیاوی را بیشتر در جاها و در محلات بودوباش غیر نظامیان مورد استفاده قرار دادند. امریکایی ها این نوع جنگ را با رها کردن مواد کیمیاوی سمی در فضا از انگلیس ها به ارث گرفته بودند ویا از آنها الهام گرفته بودند آنچنانیکه در زمان زمامداری نخست وزیر انگلیس آقای **چرچل** با رها بارها این مواد کیمیاوی سمی را در **مالایا (Malaya)** در اوایل دهه (1950) بکار برده بودند که بعد ها تحت پوشش قرار گرفتند.

فقدان اخلاق مربوط به این نوع جنگ و نزاع دشوار است، مثلاً عمدتاً در ویتنام که مرگ و میر و معیوبیت های جسمی و فیزیکی ناشی از الودگی طولانی مدت علف ها و سبزیجات، داغ ننگین برجبین عاملان استعمال این مواد زهری کیمیاوی سالها باقی خواهد ماند و اما آمریکا با استفاده از مواد سمی کیمیاوی در جنگ ها و بخصوص در جنوب ویتنام هرچه زود هنگام موفقیت خود را در منطقه از دست داد و از میزان اعتبار خود در ساحه بین المللی و بویژه در صفوف حمایت گران اروپایی خود نیز کاست.

همان طور که جنگ ادامه یافت و دامنه جنگ بیشتر و بیشتر گسترش نمود آمریکا همچنین بیش از (15) میلیون تن مهمات جنگی را در این جنگ ها بمصرف رسانید که دوبرابر مجموع مصرف مهمات جنگی در جنگ دوم جهانی بود تا جاییکه حتی تا امروز بسیاری از بمب های پرتاب شده قبلی بدون انفجار باقی مانده است مگر اینکه چه وقت سرنوشت این بمب های پرتاب شده قبلی معلوم خواهد شد. بهر صورت ارتش آمریکا در زمان جنگ بیشترین نوآوری های گران قیمت را در هند و چین مانند ایجاد میدان های کامپیوتری الکترونیکی هماهنگ شده و سایر اختراعات در بکار انداختن ذهن و آگاهی ایجاد کردند و تا اندازه ای که میتوان حدس زد آن همه چیزها سرانجام از بین رفت و یا ورشکست شد.

در پایان جنگ ها، شهرت جهانی آمریکا لطمه و صدمه دیده است که هرگز بطور کامل بهبود نخواهد یافت بهر حال حمله به ویتنام یک شکست کامل برای ایالات متحده نبود، تهدید کمونیزم یا ناسونیا لیزم در بیرون محدود شده بود چونکه آمریکا و بریتانیا قبلاً یک کودتای خونین پنهانی را در اندونیزیا بسوی جنوب راه اندازی ویا راهنمایی کرده بودند.

درس ها چه اخلاقی ویا چه احساسی هر دو ناشی از این درگیریها در نهایت امر به فراموش سپرده شد « **سند روم ویتنام** » بر طرف شد، تحت فرمانروایی **جورج دبلیو بوش** رهبر ایالات متحده ابتدا به افغانستان و کمتر از دو سال بعد در ماه مارچ سال

(2003) بالای عراق تجا وز وحمله کردند و بعداً در این سرزمین ها به عملیات های نظامی پرداختند که این خود در واقعیت امر یک ساده لوحی و کوتاهی بینی بود از اینکه حمله به کشورهای دور دستي صورت گرفت که رهبران ایالات متحده در مورد آن کشورها چیزی کمتر میدانستند .

دلایل اصلی و عمده حمله به عراق شامل بازگرداندن کنترل کامل بر ذخایر عظیم نفت این کشور و ایجاد ویان نشان دادن دوباره هژمونی قدرت نظامی امریکا بود که به نمایش گذاشت .

بعد از آنکه صدام حسین به تازه گی از قدرت و حاکمیت بر عراق اخراج و رانده شد در اوایل ماه مه سال (2003) رئیس جمهور بوش هنگامیکه در تحت پرچم امریکا در مورد (ما موریت انجام شده) به مخاطبین خود سخنرانی میکرد اعتراف نمود که هیئت رهبری امریکا در مورد مرتکب اشتباه بزرگ شده است، این پیام همچونما یا گرانگبین

گزانگبین یا انگبین گون یا من نوعی ماده خوراکی سفید رنگ و عسل مانند است که به طور مستقیم به وسیله حشره ای به نام «پسیل گز» با نام علمی (*Cyamophila astragalicola*) یا *Loginova Cyamophila dicora* یا به کمک حشره، بر روی گیاه گون یا خار انگبین تولید می شود. گزانگبین در ایران ابراهیمی غذایی است که خداوند در زمانی که قوم اسرائیل در بیابان بودند بر آنها فرستاد **از ویکی پیدیا توسط این قلم** { برای کسانی که به تلخی علیه اشغال امریکا مشغول بکار بودند، همانطور که اصرار بوش در ابتدای سخنان او نیز این بود که « عملیات های گسترده به پایان رسیده است » در نبرد عراق، ایالات متحده و متحدان ما غلبه کرده اند » همانند تقریباً تمام جنگ ها، اشغال عراق عمل سترگ و وخیم بود و آن اینکه به هزاران مایل دورتر از واشنگتن نیروهای ما در آنجا درگیر شدند، مردم عراق بار دیگر قربانی شدند و در سال های بعد از جنگ هزاران هزاران عراقی زندگی خود را از دست دادند، عراق به فرقه های قومی مختلف تقسیم شد تمدن چندین هزار ساله ای عراق از هم پاشید و خاک یکسان شد این همه و همه بدبختی های ناشی از جنگ غیر قابل انکار است که اخیراً در انتخابات شکست خورده کشور در ماه مه امسال نشان داده شده است .

چند سطر در مورد نویسنده: شین کوین مدرک روزنامه نگاری را بدست آورده او علاقه مند به نوشتن در درجه اول به امور و مسایل خارجی است که توسط نویسندگان مانند نوام چامسکی الهام گرفته است او مشارکت مکرر در تحقیقات جهانی دارد.

----- **با تقدیم سلامها (2018-11-22)**